absurd [əbˈsəːrd] adj. چرند

اگر چیزی یا کسی پوچ باشد ، مضحک است.

→ آن گروه از افرادی که صدای حیوانات را تولید می کنند کاملا پوچ است.

کم خونی

anemia [əˈniːmiə] n. کم خونی

کم خونی نوعی بیماری خونی است که باعث رنگ پریدگی و خستگی فرد می شود.

→ هنگامی که برای اولین بار دچار کم خونی شد ، غالباً خسته می شد.

اشرافی گری

aristocracy [ӕrəˈstokrəsi] n. اشرافی گری

اشراف بالاترین طبقه افراد در جوامع خاص است.

→ اکثر اعضای اشراف بسیار خوب تغذیه می کردند.

اشرافی

aristocrat [ˈæristəkræt] n. اشرافی

اشراف شخصی است که در بالاترین طبقه در جوامع خاص قرار دارد.

ist اشراف به دلیل اینکه خانواده اش ثروتمند بودند نیازی به شغل نداشتند.

لباس

attire [əˈtaiər] n. لباس

لباس لباس خوب یا خاص است.

→ همه در عروسی دختر رئیس جمهور بهترین لباس خود را به تن کردند.

شوق

craze [kreiz] n. شوق

دیوانگی فعالیت یا شیئی کوتاه و محبوب است.

aring پوشیدن جوراب های قرمز روشن یک مضحک بود وقتی که من در دبیرستان بودم.

بزرگنمایی کنید

بزرگ کردن [enˈlaːrdʒ] v بزرگ کردن

بزرگ کردن چیزی به معنای بزرگتر کردن آن است.

→ کلاس ها در تابستان بزرگتر شد تا فضای بیشتری برای دانش آموزان فراهم شود.

اضافی

اضافی [ekˈses] n اضافی

افراط مقداري از چيزي است كه بيش از نياز يا خواسته است.

→ از آنجا که در آن زمستان هرگز سرد نشد ، بسیاری از فروشگاه ها کتهای اضافی داشتند.

زنانه

زنانه [ˈfemənin] adj. زنانه

اگر چیزی زنانه باشد ، ویژگی هایی دارد که معمولاً مربوط به زنان است.

→ بسیاری از افراد مسن فکر می کردند موهای بلند او بیش از حد زنانه به نظر می رسد.

انگ

نشانه گذاری [ˈhɔːlmɑːrk] n انگ

علامت مشخصه ویژگی منحصر به فرد چیزی است.

→ انواع سس ماکارونی و گوجه فرنگی از ویژگی های اصلی غذاهای ایتالیایی است.

پد

pad [pæd] n. پد

پد یک قطعه ضخیم از مواد نرم است که برای محافظت یا تمیز کردن وسایل استفاده می شود.

players بازیکنان فوتبال برای ایمن ماندن از شانه استفاده می کنند.

غالب

غالب [priˈdɒmənənt] adj. غالب

اگر چیزی غالب باشد ، مهمترین ، رایج ترین یا قوی ترین آن است.

→ قبل از اختراع اتومبیل ، اسب روش اصلی مسافرت بود.

معتبر

معتبر [repjəˈtəbəl] adj. معتبر

اگر کسی یا چیزی معتبر باشد ، پس از آن شهرت خوبی دارد.

→ خدماتی که از طرف یک شرکت معتبر کمتر صورت گرفته او را عصبانی کرده است.

رژ گونه

rouge [ruːʒ] n. رژ گونه

روژ یک پودر یا کرم قرمز است که به عنوان آرایش روی گونه ها یا لب ها استفاده می شود.

→ حتی وقتی او سرخ نمی پوشید ، گونه هایش قرمز به نظر می رسید.

دلالت کردن

signify [ˈsignəfai] v نشان دادن

نشان دادن به معنای نماد بودن چیزی است.

to از هشت ضلعی قرمز برای نشان دادن توقف استفاده می شود.

بند

strap [stræp] n. بند

تسمه پارچه ای نازک و بلند است که برای بستن ، حمل یا نگه داشتن چیزی استفاده می شود.

the بند کیفش را روی شانه اش گذاشت و از در بیرون رفت.

گره خوردن

tangle [ˈtæŋgəl] n. گره خوردن

گره خوردن چیزی یا چیزهای زیادی است که به هم پیچیده شده اند.

→ بند بند کفش هایش چنان در هم پیچیده بود که نمی توانست آن ها را باز کند.

پوچی

vanity [ævænəti] n. پوچی

غرور غرور بیش از حد یا عشق به ظاهر خود یا کارهایی است که شخص انجام داده است.

van غرور او اجازه نمی دهد بدون نگاه کردن به خودش آینه ای را پشت سر بگذارد.

احضار کردن

vie [vai] v

رقابت برای چیزی یعنی رقابت با دیگران برای آن.

boys سه پسر برای دریافت جایزه در مسابقه شیمی رقابت کردند.

مبتذل

مبتذل [ˈvʌlgər] adj. مبتذل

اگر چیزی یا کسی مبتذل باشد ، پس او بی ادب یا فاقد سبک است.

vul رفتار مبتذل او او را با پدر و مادرش به دردسر انداخت.

با لباس بیش از حد

اگر به گذشته به دهه 1700 در اروپا سفر می کردید ، با دیدن چگونگی لباس اشرافی ها می خندید. هرچند به زودی متوجه خواهید شد که اشراف اروپا درباره ظاهر خود بسیار جدی بودند.

سبک غالب در لباس زنان لباس های عظیم بود. آنها اغلب سه برابر بزرگتر از پوشنده بودند. خانم ها حتی از لنت برای بزرگتر کردن ظاهر باسن و شانه های خود استفاده می کردند. از طرف دیگر ، زنان اشرافی کمر خود را بسیار نازک نشان می دادند. چندین خدمتکار به پارچه کششی و کشیدن بند نیاز داشتند تا کمر خانم را به نازکی مناسب برسانند. این خانم ها به سختی نفس می کشیدند و اغلب غش می کردند.

رنگ پریدگی پوست نیز مفرط بود ، با این وجود این نیز بیش از حد انجام شد. نمی توان به سادگی رنگ پرید. در عوض ، او باید به نظر می رسید که انگار کم خونی دارد. خانمها برای اینکه رنگ پریده تر به نظر برسند ، روزانه خود را می برند ، بنابراین خونریزی می کنند.

با این حال ، مدل موها مشخصه مد زنان بود. اینها یک متر روی سر خانمها ایستاده بودند. ستون های مو گره ای مضحک از کلاه گیس ها ، جواهرات ، گل ها و حتی پرندگان شکم پر بود.

مد مردان نیز به همین ترتیب پوچ بود. امروز احتمالاً بسیار زنانه به نظر می رسد. مردان معتبر کلاه گیس هایی با موهای فرفری بلند به تن داشتند. کفش های آنها کف بزرگ یا پاشنه بلند داشت تا بتوانند از سطح ناخالصی در خیابان ها بالا بروند. بعلاوه ، درست مثل خانمها ، مردان رژ لب زده و گونه های خود را سرخ می کردند.

لباس های آنها رنگ روشن ، اغلب بنفش و صورتی بود. آنها از بهترین پارچه ها ساخته شده و با نگین و توری تزئین شده اند. این مردان با یکدیگر رقابت کردند تا ببینند چه کسی لباس گران تر را پوشیده است ، زیرا این لباس بیانگر ثروت و مقام او بود.

زنان و مردان هر دو مبالغ هنگفتی از پول و وقت خود را صرف چگونگی شکل ظاهری خود کردند. گرچه چنین بیهودگی امروزه مبتذل به نظر می رسد ، سیصد سال دیگر ، مدهای روزگار ما نیز ممکن است کاملاً مضحک به نظر برسند.